



بنابراین یک ارتباط آماری بین سطح تحصیلات و درآمد وجود دارد.

● یعنی مبنای علمی دارد؟

به طور علمی و آماری که درست است و به همین بحثی که گفتیم برمی‌گردد. البته ممکن است افرادی باشند که تحصیلات بالایی دارند، اما درآمدشان خوب نباشد یا ممکن است افرادی دارای تحصیلات پایین باشند، اما درآمدشان بسیار خوب باشد. این موارد را باید مورد به مورد بررسی کنیم. ارتباط آماری با ارتباط مورد مورد متفاوت است. برای مثال شما می‌گویید مردم ایران افراد باهوشی هستند، این جمله به این معنی نیست که تک تک شهروندان ایرانی باهوش هستند، بلکه این جمله یک ارتباط آماری است. بنابراین در این خصوص هم به لحاظ آماری، افراد با تحصیلات بالا در دهک‌های بالاتر هستند. به همین دلیل ما از این متغیر به عنوان یک متغیر جایگزین استفاده کردیم. در روش متغیر جایگزین منطق همین است. مثلاً کسانی که خودروی خوب و گران قیمت سوار می‌شوند قاعدتاً افراد پولداری هستند، ولی ممکن است فردی را پیدا کنید که در زندگی چیزی به غیر از خودرو ندارد، به قول معروف همه چیزش را فروخته و یک خودرو خریده یا مثلاً از بانک وام گرفته و با پولش خودرو خریده است. طبیعتاً چنین فردی از این قاعده تبعیت نمی‌کند یا مثلاً برخی از بنگاه‌های معاملاتی خودروهایی را به اسم افراد مختلف خریداری می‌کنند. یعنی یک نفر در حالی که ۵ خودرو به نامش است، اما خودش یک خودرو هم ندارد.

● اجازه بدهید به موضوع

قیمت‌گذاری حامل‌های انرژی و کلاً تمام اقدامی که مضمون قانون هدمندسازی پارانه‌ها شدند برگردیم. وضعیت این کالاها در آن سال‌ها چگونه بود؟ میزان مصرف و پارانه پرداختی به آنها و مشکلات اساسی نظام قبلی پرداخت پارانه‌ها چه بود؟

اجازه بدهید با چند شاخص کلی وضعیت آن زمان را توضیح دهم. یکی از شاخص‌های مناسب، شاخص شدت نهایی انرژی است که از تقسیم میزان مصرف نهایی انرژی بر تولید ناخالص داخلی به دست می‌آید و نشانگر میزان انرژی به کار رفته در تولید مقدار معینی از کالاها و خدمات است. این شاخص معادل ۸۶۴ میلیون تن نفت خام به میلیون دلار بود که ۴ برابر متوسط جهانی، ۱/۹ برابر هند، ۴/۷ برابر ترکیه و ۱۵/۷ برابر ژاپن بود. از سوی دیگر با افزایش قیمت انرژی در دهه ۸۰ فاصله قیمتی بین قیمت داخلی و بازار جهانی انرژی افزایش می‌یافت. برای مثال این رقم در سال ۸۶ معادل ۱۱۸ درصد بودجه عمومی دولت و ۴۹۶ درصد بودجه عمرانی کشور بود. بیشترین پارانه انرژی کشور نیز با ۴۰ درصد در بخش حمل‌ونقل و پس از آن با ۲۵ درصد در بخش خانگی و ۱۸ درصد در بخش صنعت و ۸ درصد در بخش کشاورزی بود. از سوی دیگر حدوداً ۷۳ درصد پارانه کالاهای اساسی در بودجه دولت (که معادل ۴۵۰۰ میلیارد تومان بود) در سال ۸۸ به پارانه آرد و نان اختصاص می‌یافت و پارانه سرانه آن نیز معادل ۴۵ هزار تومان بود. برای مثال در سال ۲۰۱۰ قیمت سوخت در ایران تقریباً ۱۰ سنت بود در حالی که این عدد در ترکیه ۲۵۲ سنت، در جمهوری آذربایجان ۷۵ سنت، افغانستان ۱۱۵ سنت و در پاکستان ۸۶ سنت بود که نتیجه آن قاچاق حجم عمده‌ای از سوخت به این کشورها بود. البته الان هم با وضعیت نرخ ارز کنونی در کشور، همین وضعیت را داریم.

● لطفاً بیشتر در خصوص

قیمت‌گذاری حامل‌های انرژی در سال ۸۹ توضیح بدهید. طرح با اصلاح قیمت بنزین، گازوئیل،

نفت سفید، گاز مایع، برق، گاز طبیعی، نفت کوره، آب مصرفی مردم و نان شروع شد. با چه منطقی به قیمت‌هایی مثل ۴۰۰ تومان و ۷۰۰ تومان برای بنزین و سایر قیمت‌ها رسیدید. هدف اصلی شما صرفاً فقط کسب درآمد و پرداخت پارانه بود؟

هدف اصلی طرح در حوزه انرژی رسیدن به قیمت‌های جهانی بنزین، گازوئیل، نفت سفید، نفت کوره و گاز مایع بود اما در خصوص برق و گاز نیز قیمت آنها بسیار متأثر از سایر حامل‌هاست. مثلاً انرژی مورد نیاز برای تولید برق، گاز طبیعی یا گازوئیل است که در نیروگاه‌ها مصرف می‌شود و به برق تبدیل می‌شود، بنابراین هر تغییر قیمتی در این حامل‌ها باعث تغییر قیمت برق نیز می‌شود. در خصوص برق و نان و آب نیز هدف رساندن آنها به قیمت تمام شده بود. اما همان طور که قبلاً عرض کردم قصد دولت اجرای آن در دو یا سه گام بود. به عبارت دیگر قرار بود در پایان طرح بازار به جای دولت قیمت‌ها را تعیین کند. ملاحظات قانونی قیمت‌گذاری را نیز در لایحه آورده بودیم و تبدیل به قانون شده بود. اما ملاحظات دیگری هم وجود داشت. ملاحظه اول ملاحظه فنی بود یعنی حامل‌های انرژی با قیمت‌های مختلف قابلیت جانشینی با یکدیگر را دارند.

لذا هرگونه اصلاح قیمت مؤثر در یک حامل مثلاً بنزین باید با رعایت نسبت جانشینی فنی و همراه با اصلاح قیمت سایر حامل‌ها مثلاً گازوئیل، نفت سفید، CNG و گاز مایع باشد. بر این اساس رعایت نرخ جانشینی از مهم‌ترین ملاحظات موجود در قیمت‌گذاری حامل‌های مذکور بود. برای مثال قیمت هر لیتر نفت کوره باید حدود ۷۰ درصد قیمت گاز باشد و نفت سفید و گاز مایع باید در یک محدوده قیمتی قرار بگیرند. قیمت گاز طبیعی حداکثر باید به میزان ۲/۲ برابر قیمت برق تعیین شود زیرا در غیر این صورت مصرف کنندگان با توجه به عواملی نظیر میزان انرژی حرارتی هر حامل امکان دسترسی و تقاضای خود را به سمت مصرف حاملی که قیمت نسبی آن ارزان‌تر باشد متمایل خواهند کرد. این نکات فنی بود که کارشناسان وزارت نفت و نیرو در جلسات بیان می‌کردند. اما ملاحظه بعدی ملاحظه اقتصادی بود. یعنی تأثیر این قیمت‌ها بر رشد اقتصادی، نرخ تورم، اشتغال و ضریب جینی که از الگوهای تبادل عمومی مانند CFI، CGE و داده‌ستاده استفاده شد. ملاحظه اجتماعی موضوع نیز لحاظ کردن شرایط جغرافیایی و اقلیمی مناطق مختلف کشور برای خانوارها بود. مثلاً مطابق سایر ملاحظات قیمت نفت سفید باید معادل قیمت بنزین تعیین می‌شد اما مصرف آن عموماً در روستاهای فاقد لوله کشی گاز بود که بسیار محروم بودند. به همین دلیل قیمت آن بسیار پایین‌تر از بنزین یعنی ۱۵۰ تومان (البته با سهمیه بندی) تعیین شد. در خصوص برق و گاز هم از قیمت‌گذاری تبعیضی و ترجیحی استفاده شد. باز ملاحظات فوق برقرار بود. یعنی قیمت برق و گاز برای مصارف متفاوت، مناطق مختلف جغرافیایی نوع مصرف (تجاری، خانگی و غیره) متفاوت بود. به یاد دارم زمانی که قیمت‌ها ابلاغ شد و اجرای طرح در ۲۸ آذرماه آغاز شد وزارت نیرو و شرکت گاز بر اساس مصوبات ستاد، قیمت قبض‌های برق را تعیین می‌کردند.

یکی از تغییراتی که در قبض‌ها به وجود آوردیم این بود که تنها هزینه مصرف مردم باید در قبض بیاید و به اسامی مختلف از مردم پول برق و گاز گرفته نشود. اولین قبضی که بعد از اجرای هدفمندی در آذرماه منتشر شد باعث اعتراضات گروه‌هایی شد. یک روز آقای احمدی‌نژاد در حالی که ده‌ها قبض را در دست گرفته بود آنها را به من داد و گفت: «اینها را محاسبه کن و ببین این قبض‌ها بر اساس فرمولی است که ما گفتیم یا نه؛ فعلاً هم هیچ قبضی



دهک یعنی اینکه

ما ۸۰ میلیون ایرانی

داریم که مرکز آمار

برای اینکه تحلیلی

در خصوص وضعیت

درآمدی و مصرفی این ۸۰

میلیون ارائه دهد جامعه

را به صورت فرضی به ۱۰

دهک تقسیم می‌کند.

حال اگر این جمعیت را

به ۱۰۰ گروه تقسیم کنیم

می‌شود صدک. به عبارتی

در صدک‌ها، صدک یک تا

صدک ۱۰۰ و در دهک‌ها،

دهک یک تا دهک ۱۰ را

داریم. آنچه متداول است

دهک‌ها هستند. دلایلش

هم این است که در

دهک‌بندی می‌خواهیم

بدانیم در طبقات مختلف

درآمدی ترکیب هزینه -

درآمد چیست تا از این

طریق بتوانیم ضریب

جینی را محاسبه کرده

و تفاوت درآمد و هزینه

بین گروه‌های مختلف

درآمدی را محاسبه کنیم



رسیدن قیمت حامل‌های انرژی به میانگین جهانی

هدف اصلی طرح در حوزه انرژی رسیدن به قیمت‌های جهانی بنزین، گازوئیل، نفت سفید، نفت کوره و گاز مایع بود اما در خصوص برق و گاز نیز قیمت آنها بسیار متأثر از سایر حامل‌هاست. مثلاً انرژی مورد نیاز برای تولید برق، گاز طبیعی یا گازوئیل است که در نیروگاه‌ها مصرف می‌شود و به برق تبدیل می‌شود، بنابراین هر تغییر قیمتی در این حامل‌ها باعث تغییر قیمت برق نیز می‌شود. در خصوص برق و نان و آب نیز هدف رساندن آنها به قیمت تمام شده بود. اما همان طور که قبلاً عرض کردم قصد دولت اجرای آن در دو یا سه گام بود. به عبارت دیگر قرار بود در پایان طرح بازار به جای دولت قیمت‌ها را تعیین کند. ملاحظات قانونی قیمت‌گذاری را نیز در لایحه آورده بودیم و تبدیل به قانون شده بود.

برش

بنزین با دو رقم ۴۰۰ تومان به‌صورت سهمیه‌ای و ۷۰۰ تومان به‌صورت آزاد، گام بزرگی برای رسیدن به نرخ‌های جهانی برداشتیم. اما در مورد گازوئیل بر اساس همان منطق، فروش نفت خام ۸۰ دلاری و نرخ ارز آن سال قیمت فوب برای هر لیتر ۶۱۶۰ ریال می‌شد که با اضافه کردن هزینه انتقال ۱۰ درصد عوارض و ۱/۵ درصد مالیات آن سال، این رقم ۶۸۷۹ ریال می‌شد، ولی ما قیمت آن را به‌صورت سهمیه‌ای ۱۵۰ تومان و آزاد ۲۵۰ تومان تعیین کردیم. یعنی با توجه به سایر ملاحظات، گام اولی که برای اصلاح قیمت گازوئیل برداشتیم از بنزین کمتر بود.

صادر نکنید.» به وزارت نیرو رفته و پای سیستم آنها نشستیم و به طور تصادفی قبض‌های مناطق مختلف کشور را چک کردم. بسیاری از قبض‌ها درست بود و البته در مواردی نیز برداشت صحیحی از بخشنامه وجود نداشت که این موارد را اصلاح کردیم. یکی از اقدامات دیگری که هم‌زمان با مطالعات قیمت‌گذاری انجام شد، تهیه بسته‌های حمایتی از بخش‌های کشاورزی، حمل‌ونقل درون شهری و برون شهری، اصناف، صادرات غیرنفتی و همچنین بخش صنعت بود. اساس برنامه‌های حمایتی نوسازی و سیاست‌های غیرقیمتی، کمک به افزایش بهره‌وری انرژی در بخش‌های مربوطه ناشی از اصلاح قیمت حامل‌ها بود. برای مثال اعطای تسهیلات بانکی ارزان قیمت با نرخ سود ۷ درصد و میانگین ۲۰ تا ۱۰۰ میلیون ریال برای هر واحد صنعتی تولیدی انرژی بر که دارای پروانه کسب بود از جمله این اقدامات بود.

● در قیمت‌گذاری و تهیه این

بسته‌ها چه افرادی با شما همکاری می‌کردند؟

به نظرم تأکید بر این موضوع ضروری است که در طرح تحول اقتصادی تمام دستگاه‌های دولتی و حتی بخش بزرگی از کارشناسان و اقتصاددانان غیردولتی مشارکت داشتند. مثلاً در خصوص بحث انرژی و اصلاحات آن معاونت‌های مربوطه در وزارت نفت و وزارت نیرو، معاونت‌های آب و توانیر تلاش بسیاری می‌کردند. به یاد دارم در دولت نهم که لایحه را به مجلس می‌بردیم اکبرترکان نماینده وزارت نفت بود. آقای ترکان آن زمان معاون برنامه‌ریزی وزارت نفت بود. اما در وزارت نفت و معاونت‌های مربوطه افرادی چون آقایان خطاطی، ربیعی، معینی و بعداً در اجرایی کردن آن ضعیفی، سجادی، عامری، رضوی و عباسی سهم بالایی داشتند. در وزارت نیرو هم همکاران توانیر از جمله آقایان بهزاد و حائری به همراه آقای داوود منظور کمک‌های زیادی کردند. می‌توانید با بیان جزئیات این فرایند را همراه با اعداد و ارقام توضیح دهید؟ به هر حال بیان ارقام سال ۸۹ و بررسی وضعیت دقیق آن زمان می‌تواند برای کارشناسان این حوزه مفید باشد. بله. در سال ۸۹ قیمت نفت خام را ۸۰ دلار پیش‌بینی می‌کردیم. البته قیمت نفت در آذرماه سال ۸۹ معادل ۸۸/۹ دلار بود که قیمت هر بشکه بنزین ۸۸ دلار و قیمت هر لیتر آن ۵۵۳۵ ریال بود. هزینه انتقال آن ۱۸۷ ریال و عوارض و مالیات ارزش افزوده ۳۰ درصد بود که باید به این مبلغ اضافه می‌شد. بنابراین به عدد ۷۴۳۸ ریال برای هر لیتر می‌رسیدیم. اما دقت کنید که دونرخ بسیار اهمیت دارد، یکی قیمت هر بشکه نفت خام و دیگری نرخ ارز. بنابراین در گام اول در

● در خصوص سایر حامل‌ها مثال برق چگونه بود؟

قیمت‌گذاری گاز و برق بسیار پیچیده است. این کار در دستگاه‌های مربوطه صورت می‌گرفت و کارگروه تنها بر کلیات آن نظارت می‌کرد. یکی از موضوعات بسیار مهم برای ما این بود که با قیمت‌گذاری پیشنهادی، قبض‌های مردم چقدر افزایش می‌یابد. در یک جلسه با محاسبه میزان مصرف یک خانوار الگوی مصرف در منطقه عادی محاسبه شد، متوسط مصرف برق ۹ درصد مردم حدود ۳۷۵ کیلووات ساعت است که بر این اساس قبل از هدفمندی قبض برق آنها ۶ هزار تومان و پس از هدفمندی ۱۹ هزار تومان می‌شود. یا مثلاً در مناطق گرم، الگوی مصرف ۵۰۰ کیلووات ساعت است که ۹۰ درصد مردم زیر ۴۵۰ کیلووات ساعت مصرف می‌کنند، لذا صورتحساب این الگوی مصرف از ۷۵۰۰ تومان به ۲۳۷۰۰ تومان افزایش می‌یابد. قبض تمام مناطق و گروه‌های مصرفی به دقت بررسی شد تا بتوانیم تأثیر آن در هزینه خانوارها را تعیین کنیم. البته مهم‌ترین موضوع در ایران بحث قیمت تمام شده آن است. در آن سال نیز این موضوع به یکی از چالش‌های اصلی کارگروه تبدیل شده بود چون هدف ما این بود که معادل قیمت تمام شده برق به وزارت نیرو پرداخت شود و اضافه دریافتی از خانوارها به پارانه نقدی اضافه شود. وزارت نیرو معتقد بود که قیمت تمام شده برق هر کیلووات ساعت ۴۵۰ ریال است، اما من معتقد بودم که برای اثبات آن باید حسابرسی کنیم. حسابرس قیمت تمام شده را ۲۷۰ ریال تعیین کرد و وزارت نیرو آن را پذیرفت. یعنی قرار شد آنها برق را به قیمت متوسط هر کیلووات ساعت ۴۲۰ ریال بفروشند. ۲۷۰ ریال قیمت تمام شده را وزارت نیرو دریافت کند و بقیه آن یعنی ۱۵۰ ریال بابت هر کیلووات ساعت به پارانه نقدی اضافه شود. البته در دولت یازدهم و دوازدهم قیمت برق چندین بار افزایش یافت و ارقام کنونی قبض‌های برق اصلاً قابل مقایسه با قیمت‌های بعد از هدفمندی پارانه‌ها نیست!

فاصله قیمت داخلی و جهانی انرژی

با افزایش قیمت انرژی در دهه ۸۰ فاصله قیمتی بین قیمت داخلی و بازار جهانی انرژی افزایش می‌یافت. برای مثال این رقم در سال ۸۶ معادل ۱۱۸ درصد بودجه عمومی دولت و ۴۹۶ درصد بودجه عمرانی کشور بود. بیشترین پارانه انرژی کشور نیز با ۴۰ درصد در بخش حمل‌ونقل و پس از آن با ۲۵ درصد در بخش خانگی و ۱۸ درصد در بخش صنعت و ۸ درصد در بخش کشاورزی بود. از سوی دیگر حدوداً ۷۳ درصد پارانه کالاهای اساسی در بودجه دولت (که معادل ۴۵۰۰ میلیارد تومان بود) در سال ۸۸ به پارانه آرد و نان اختصاص می‌یافت و پارانه سرانه آن نیز معادل ۴۵ هزار تومان بود. برای مثال در سال ۲۰۱۰ قیمت سوخت در ایران تقریباً ۱۰ سنت بود در حالی که این عدد در ترکیه ۲۵۲ سنت، در جمهوری آذربایجان ۷۵ سنت، افغانستان ۱۱۵ سنت و در پاکستان ۸۶ سنت بود که نتیجه آن قاچاق حجم عمده‌ای از سوخت به این کشورها بود.



برش